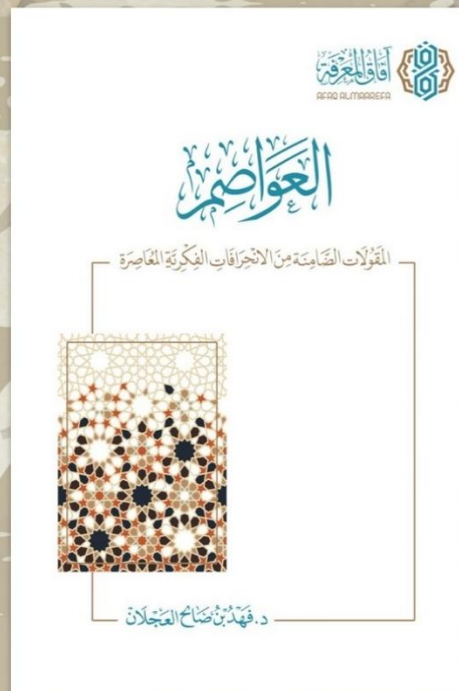


سخنان محافظ (۹)

حفظ سنت از حفظ قرآن است

دکتر فهد العجلان | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخنان محافظ (۹) حفظ سنت از حفظ قرآن است

همانا خداوند حفظ کتاب خود را بر عهده گرفته است، چنان که می‌فرماید:

{إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ} [الحجر: ۹] (ما خود این ذکر (قرآن) را نازل

کرده‌ایم، و بی‌گمان ما نگهدار آن خواهیم بود).

این یکی از معانی‌ای است که هر مسلمانی به آن ایمان دارد؛ اینکه نگهداری کتاب خدا، مستلزم نگهداری سنت نیز هست. بنابراین مسلمان همان‌گونه که به حفظ کتاب خدا ایمان دارد، به این نیز باور دارد که خداوند، سنت پیامبرش ﷺ را حفظ خواهد کرد. برای اثبات این معنا، دلایل متعددی وجود دارد که آن‌ها را در این سه اصل خلاصه می‌کنیم:

اصل نخست:

محفوظ ماندن سنت، از لوازم حفظ قرآن است؛ خداوند متکفل نگهداری کتاب خود از تحریف و افزایش و نقصان شده است، آنطور که در پایان، سخنش - همان‌گونه که آن را نازل کرده - به همهٔ انسان‌ها برسد و سخن پروردگار و مراد او را بدانند. مشخص است که بسیاری از احکام ذکر شده در قرآن، تنها از طریق سنت پیامبر ﷺ شناخته می‌شود؛ و این سنت است که آن را به تفصیل بیان کرده و شرح داده است؛ اموری مانند جزئیات احکام نماز، زکات و غیره. اگر سنت پیامبر ﷺ از بین می‌رفت یا دچار تحریف می‌شد، دانستن چگونگی برپا داشتن نماز و پرداخت زکات ممکن نمی‌شد.

محمد بن نصر مروزی می‌گوید: «اصول همه فرایض را چنین یافتیم که تفسیر آن و اجرا و انجام آن ممکن نیست مگر با تبیین و توضیح او، از جمله آن نماز، زکات، روزه، حج و جهاد»!

ممکن است کسی به این استدلال اعتراض کند و بگوید: «ولی این زیانی به حفظ قرآن وارد نمی‌کند؛ زیرا قرآن محفوظ است، حتی اگر جزئیاتی از برخی احکام دانسته نشود».

پاسخ این است که این ادعا با معنای حفظ کامل ناسازگار است؛ چگونه ممکن است لفظ محفوظ بماند اما معنا از بین برود؟! چگونه ممکن است مردم بدانند که خداوند از آنان اقامه نماز را خواسته، اما راه تحقق آن بر آنان پوشیده باشد؟ حفظ، مستلزم شناخت لفظ با معنای آن است. اما اینکه از مردم خواسته شود که نماز را برپا بدارند و در عین حال ندانند چگونه باید آن را اقامه کنند یا در شیوه اقامه آن دچار اختلاف بزرگ شوند، این هدف اصلی از

۱- محمد بن نصر مروزی، السنة (۳۶). درباره تفصیل این مورد به صفحات ۳۶ تا ۶۹ این کتاب مراجعه کنید.

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

امر به اقامه نماز را محقق نمی‌سازد. در این صورت، وقتی مردم از کیفیت محقق ساختن نص ناتوان باشند، حفظ آن نیز معنایی نخواهد داشت.

و بر همین اساس، هر کس سنت پیامبر ﷺ را مطلقاً انکار کند و آن را حجت نداند، یا آن را حجت بداند اما وجود راه درستی برای شناخت آن را منتفی بداند، در حقیقت وعده ربانی حفظ قرآن را نیز تکذیب کرده زیرا حفظ سنت داخل در حفظ قرآن است.

همچنین آنچه بر این دلیل تاکید دارد این است که الله متعال بیان قرآن را بر عهده گرفته است، چنانکه می‌فرماید: **{فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ}** [قیامت: ۱۸، ۱۹] (پس هرگاه [توسط جبرئیل] آن را [بر تو] خواندیم، از خواندن او پیروی کن * سپس بیان‌کردنش بر [عهده] ماست). همچنین می‌فرماید: **{وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ}** [نحل: ۴۴] (و این قرآن را به سوی تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را به سوی آنان نازل شده است توضیح دهی).

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

بنابراین الله تعالی بیان قرآن را بر عهده گرفته و قرآن را بر پیامبرش نازل کرده تا آن را برایشان تبیین نماید که مقتضایش حفظ این سنت تبیین‌گر است، وگرنه آنچه تکفل نموده محقق نمی‌شد.

این معنا چنان واضح و آشکار بوده که علمای مسلمان می‌دانستند خداوند متعال کسی را که به پیامبر ﷺ دروغ نسبت دهد رارسوا خواهد کرد و در هدفی که دارد موفق نخواهد شد و ممکن نیست که دروغ او در میان مردم منتشر شود و بر تمام امت تأثیر بگذارد؛ زیرا این با حفظ دین در منافات است و این معنایی است که راویان و ناقدان حدیث از علمای سلف - رحمهم الله - به آن یقین داشتند و همگی بر آن تاکید کرده‌اند.

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

سفیان ثوری می‌گوید: «اگر مردی قصد دروغ‌گویی در حدیث را داشته باشد، هرچند درون خانه‌ای باشد که آن خانه در اندرون خانه‌ای دیگر باشد، باز خداوند او را رسوا خواهد کرد».^۲

سفیان بن عیینه می‌گوید: «خداوند هیچ‌کس را که در حدیث دروغ بگوید، پوشیده نمی‌دارد».^۳ یعنی او را رسوا خواهد کرد.

۲- به روایت حاکم در «المدخل إلى معرفة کتاب الإکلیل» (۲۱۰)، و از طریق او: بیهقی در «المدخل إلى علم السنن» (۱/ ۳۱۷). همچنین خواجه عبدالله انصاری در «ذم الکلام وأهله» (۴۲۳). نگا: سیر أعلام النبلاء (۷/ ۲۴۸). از سفیان شبیه این معنا آمده است: به روایت خطیب در «الجامع» (۲/ ۸).

۳- به روایت ابن جوزی در «الموضوعات» (۱/ ۴۸). نگا: مختصر الصواعق المرسله (۵۶۴)، شرح التبصرة عراقی (۱/ ۳۱۰)، تحذیر الخواص سیوطی (۱۳۱). علما درباره نسبت این سخن به سفیان ثوری یا سفیان بن عیینه اختلاف نظر دارند، چنانکه ابن حبان در «المجروحین» (۱/ ۲۷) آن را با صیغه‌ای دیگر از سفیان ثوری تخریج کرده که این سخن را از محل شاهد ما خارج می‌سازد، چنانکه گفته است: هرگز کسی را که در حدیثش (سخنش) دروغ می‌گوید، نپوشانده‌ام.

عبدالرحمن بن مهدی می‌گوید: «اگر مردی قصد کند که در حدیث دروغ بگوید، خداوند او را ساقط (بی‌آبرو) می‌سازد».^۴

عبدالله بن مبارک می‌گوید: «اگر مردی قصد دروغ گفتن در حدیث کند، صبحگاهان مردم خواهند گفت: فلانی دروغ‌گوست».^۵

به ابن مبارک گفته شد: این احادیث ساختگی چه [خواهد شد]؟ گفت: علمای ژرف نگر برایش بیدار و هشیارند. و سپس گفت: **{إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ**

۴- به روایت ابن عدی در «الکامل فی ضعف الرجال» (۱/ ۲۴۷) و خطیب بغدادی در «الجامع لأدب الراوی والسماع» (۲۷۸). نگا: «شرح التبصرة والتذكرة» عراقی (۱/ ۳۱۱). در سخن سفیان ثوری معنایی نزدیک به آن آمده که خواجه عبدالله انصاری در «ذم الکلام وأهله» (۴۲۴)، (۴۲۵) آن را تخریج کرده است.

۵- نگا: الموضوعات ابن جوزی (۱/ ۴۹)، مختصر الصواعق المرسله (۵۶۴)، شرح التبصرة والتذكرة عراقی (۱/ ۳۱۱).

وَأَنَا لَهُ لَحَافِظُونَ { [الحجر: ۹] (بی‌گمان ما خود این ذکر (قرآن) را نازل کردیم، و به‌راستی نگهدار آن نیز هستیم).^۶

و زمانی که از ناقد بزرگ، یحیی بن معین، درباره یکی از راویان پرسیده شد، گفت: «ثقه نیست». سپس گفت: «برای هارون الرشید حدیثی ساختگی از قتاده از جابر بن زید از ابن عباس درباره امر جعل کرد؛ اگر این حدیث را جعل نکرده بود، اشکالی در وی نبود. اما اگر کسی حتی اراده کند که در حدیثی یک حرف دروغ بیاورد، خداوند پرده‌اش را کنار می‌زند و او را رسوا می‌سازد».^۷

۶- به روایت ابن ابی حاتم در «الجرح والتعديل» (۳/۱) و ابن عدی در «الکامل فی ضعفاء الرجال» (۱/۱۹۲) بدون ذکر آیه، و این اضافه نزد برخی از علما پس از آنان آمده است. نگا: الغرامية فی مصطلح الحديث، ابن فرح الاشبیلی (۸۸) و الباعث الحثيث ابن کثیر (۲۰۲) و شرح التبصرة والتذكرة عراقی (۳۱۱/۱)، فتح المغیث سخاوی (۳۱۹/۱)، التلخیص الحبیر ابن حجر (۳۵/۱).

۷- نگا: معرفة الرجال ابن معین به روایت ابن محرز (۵۹/۱).

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

ابن تیمیه در همین معنا می‌گوید: «و این نوعی حفظ دین از سوی خداوند است. هیچ‌کس عمداً بر پیامبر ﷺ دروغ نگفته، مگر آن‌که خداوند رسوایش کرده و امرش را فاش نموده است».^۸

سخاوی می‌گوید: «و از جمله این محافظت، هتک حرمت [و رسوایی] کسی است که بر پیامبر ﷺ دروغ بدهد».^۹

اصل دوم: شریعت از هر نقصی مُنزه و در امان است:

خداوند متعال به پیامبرش ﷺ دستور داده است که رسالت را به مردم برساند:

{يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ} [مائده:

۶۷] (ای پیامبر، آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن؛ و اگر

[چنین] نکنی، رسالت او را [به انجام] نرسانده‌ای). زیرا اگر سنت پیامبر ﷺ حفظ

۸- منهاج السنة النبوية (۲/ ۴۵۷).

۹- فتح المغیث سخاوی (۱/ ۲۶۰).

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

نشده بود، این امر به شریعت ایراد می‌کرد و مردم در گمراهی، فریب و سردرگمی واقع می‌شدند.

بنابراین، ایمان به حفظ سنت پیامبر ﷺ از ضرورت‌های کمال شریعت است، و ایمان به براءت شریعت از هرگونه نقصی است. از پیامدهای عدم ایمان به سنت نبوی، خدشه وارد کردن به کمال شریعت و متهم کردن آن به تلبیس و فریب و این دست ویژگی‌های نکوهیده است، حتی اگر مدعی از چنین پیامدی آگاه نباشد.

بیان این پیامد از سه وجه:

وجه اول: احکام مجمل قرآن تنها از طریق سنت پیامبر ﷺ شناخته می‌شوند. اگر سنت حفظ نشده بود، در قرآن مواردی وجود داشت که مردم در فهم آن دچار سردرگمی می‌شدند و معنای آن را درک نمی‌کردند. و این یک لازمه فاسد است؛ زیرا هر مسلمانی می‌داند که قرآن کتاب هدایت، نور و بیان است.

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

وجه دوم: خداوند متعال در آیات بسیاری به اطاعت از پیامبر ﷺ دستور داده است و این اطاعت محدود به زمان حیات ایشان نیست، بلکه شامل دوران حیات و بعد از وفاتشان نیز می‌شود. اگر سنت او حفظ نشده بود، اطاعت از او پس از وفاتش غیرممکن می‌شد و این یعنی مسلمانان مأمور به اطاعت از چیزی هستند که راهی برای شناخت آن ندارند.

همچنین خداوند به مسلمانان دستور داده که اختلافات را به پیامبر ارجاع دهند: **{فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ}** [نساء: ۵۹] (و اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به [کتاب] الله و [سنت] پیامبر بازگردانید). اگر سنت حفظ نشده بود، این دستور عملاً بی‌فایده و ناممکن می‌شد.

اما شاید کسی بگوید که این اطاعت، تنها در مورد آنچه پیامبر ﷺ از قرآن تبلیغ می‌کند، صدق می‌کند.

اما این تحریفی به شدت دور از واقعیت است؛ زیرا فرمان اطاعت از پیامبر ﷺ به طور مطلق صادر شده، نه صرفاً به تصدیق اخبار او یا ایمان به قرآن. اگر مقصود

شرع این بود، نوعی تدلیس محسوب می‌شد زیرا مردم در دوران صحابه و پس از آن، چیزی جز این را نفهمیدند که این فرمان، امر به اطاعت مطلق از پیامبر ﷺ است. هیچ یک از صحابه از پیامبر ﷺ نمی‌پرسیدند که آنچه می‌گوید یا انجام می‌دهد آیا از جنس تبلیغ قرآنی است یا خارج از آن؟ بلکه چنین سؤالی اساساً به ذهن آنان خطور نمی‌کرد؛ چرا که آنان به رسالت ایشان، وجوب اطاعتشان، و عصمت ایشان در تبلیغ شریعت خداوند ایمان داشتند. آنان تنها در مواردی که احتمال می‌دادند فعلی از افعال ایشان ﷺ از روی تشریع نباشد در آن مورد پرسش می‌کردند [که آیا آنچه می‌گوید از روی وحی است یا نظر ایشان] نه اینکه وظیفه ایشان ﷺ را فقط منحصر به تبلیغ قرآن بدانند.

شاید کسی بگوید: این موضوع مربوط به کسانی است که پیامبر ﷺ را مستقیماً دیده‌اند و از او امر و نهی دریافت کرده‌اند، زیرا آنان از وجود این دستورات مطمئن هستند، برخلاف کسانی که بعد از ایشان آمده‌اند و ممکن است در صحت نقل آن شک کنند.

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

این سخن در واقع به معنای وجوب اطاعت از ایشان در هر چیزی غیر از قرآن است، و اینکه باید به حجیت پیامبر و وجوب اطاعت از او ایمان داشت، اما وی در راه‌های نقل این دستورات شک دارد. در این میان، منکران سنت دو دسته‌اند: گروهی که اساساً به حجیت آن باور ندارند، و گروهی که در صحت صدور آن از پیامبر ﷺ تردید دارند.

در پاسخ به این دیدگاه باید گفت:

اولاً: اگر باور دارید که پیروی از پیامبر ﷺ واجب است، پس این امر باید شامل هر کسی شود که پیام ایشان را دریافت کرده، آن را شناخته یا به آن ایمان آورده است، نه اینکه آن را تنها به دوران حیات پیامبر ﷺ محدود کنی. این ادعا که احکام پیامبر مخصوص زمان ایشان بوده، در واقع نفی ویژگی قانون‌گذاری و رسالت ایشان بعد از وفاتشان است، و این دیدگاه شبیه به نظر کسانی است که سنت پیامبر ﷺ را به کلی رد می‌کنند.

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

ثانیا: پیامد این قول این است که بخشی بزرگی از دین با وفات پیامبر ﷺ تغییر کرده و از بین رفته است و اینکه این دین پس از پیامبر ﷺ همان دینی نیست که در دوران ایشان بود.

ثالثا: سپس می پرسیم این وجوب از چه زمانی از بین رفته است؟ تابعین از صحابه شنیده اند، پس آیا از پیروی از دستور رسول الله ﷺ دست کشیدند؟ آیا صحابه از انتقال آنچه از سخنان و اعمال پیامبر ﷺ آموخته بودند، باز ایستادند؟ روشن است که چنین ادعایی باطل است، زیرا صحابه مشتاق نقل سنت پیامبر ﷺ، پرس و جو درباره آن و آموزش آن بودند، و همین روند توسط نسل های بعدی نیز ادامه یافت. بررسی صحت و دقت نقل قول ها امری ضروری است و این همان رویکرد علم روایت نزد مسلمانان است.

سومین وجه: از جنبه های انتقاد به شریعت به سبب نقصان در صورت عدم حفظ سنت، این است که همه امت، از زمان صحابه رضی الله عنهم تا قرن ها بعد، از روی یقین به پیروی از سنت پیامبر ﷺ ایمان داشتند و برای آن از آیات قرآن کریم و سنت متواتر و روشی که از سیرت پیامبر ﷺ آشکارا دانسته

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

می‌شود استدلال می‌کردند. اگر سنت حجت نبود - و بلکه گمراه‌کننده بود - این یک فریب و تدلیس بزرگ به شمار می‌آمد که تمام امت را به گمراهی می‌کشاند. امتی که قرن‌ها بر اساس سنت پیامبر عبادات خود را به جای آوردند و آن را از دین خداوند دانسته و مخالف آن را گمراه به شمار می‌آوردند. همه گروه‌های امت، با وجود اختلاف در گرایش‌ها و اصولشان، بر این امر توافق دارند، بلکه حتی یهودیان و مسیحیان و هر کسی که به مسلمانان نزدیک شده نیز این امر را درک کرده است. بنابراین برایشان پوشیده نبود که پیروی از سنت بخشی از دین محمد ﷺ است. این دیدگاهی است بسیار زشت که در حقیقت پیامد سخن کسی است که سنت را حجت نمی‌داند، و این با روشنی و وضوحی که شارع در بیان و اتمام حجت دارد، منافات دارد. چنین ادعایی درباره سنتی که حفظ نشده نیز مطرح می‌شود؛ بدین معنا که اگر سنت حفظ نمی‌گردید و دچار زوال و اختلاط می‌شد، در آن صورت عملکرد مسلمانان بر اساس آن - بدون توانایی در تمییز صحیح میان صحیح و سقیم - صورت می‌گرفت.

پاک دانستن شریعت از نقص، ایجاب می‌کند که به محفوظ بودن سنت ایمان داشته باشیم، زیرا اگر سنت از بین رفته بود، این خود طعنی در شریعت محسوب می‌شد. بنابراین کسی که حجیت سنت را انکار کند یا ادعا کند که سنت حفظ نشده است، با این توجیه که احترام زیادی برای قرآن قائل است، در واقع نمی‌داند که این یک بدعت در دین و طعن در خداوند و حکمت اوست و شریعت را به تدلیس و ابهام متهم می‌کند همچنین، این عقیده موجب گمراهی مردم شده و در حالی که آنان به پیروی از قرآن و تصدیق پیامبر خدا ﷺ گرفتار این اشتباه شده‌اند و خداوند آنان را بازخواست خواهد کرد بدون آنکه حقیقت را برایشان روشن سازد. این‌ها لازمه‌ها و پیامدهایی بسیار زشتند از این رو کسی که مدعی بزرگداشت قرآن است اما سنت را انکار می‌کند، در واقع در پیروی از قرآن صداقت ندارد، بلکه بیماری‌ها و هواهای نفسانی او را به انکار سنت سوق داده‌اند. همچنین، این انکار عامل تغذیهٔ نفاق در قلب است، زیرا مؤمن، شریعت را از هرگونه نقص منزّه می‌داند؛ چه رسد به چنین نقص‌های بزرگی.

این پیامد ناگزیر شامل دو گروه از افراد می‌شود:

گروه اول: کسانی که حجیت سنت نبوی را به طور کلی انکار می‌کنند.

گروه دوم: کسانی که حجت بودن سنت را انکار نمی‌کنند اما ثبوت آن را انکار می‌کنند.

ممکن است این اشکال مطرح شود که دربارهٔ احادیث سنت، میان علما اختلاف بسیاری رخ داده است، به طوری که آنان دربارهٔ تصحیح بسیاری از آن‌ها اختلاف نظر دارند، همچنین احادیث موضوع، منکر و ضعیف در آن یافت می‌شود. پس چگونه می‌توان گفت که سنت همانند قرآن حفظ شده است، حال آنکه در هیچ حرفی از قرآن اختلافی وجود ندارد؟

پاسخ این است که: ما نمی‌گوییم سنت دقیقاً مانند قرآن حفظ شده است، بلکه می‌گوییم حفظ سنت بخشی از حفظ قرآن است. منظور از حفظ سنت، رسیدن به احادیثی است که احکام قرآن را تبیین می‌کند و توضیحات پیامبر ﷺ در مورد آن را مشخص می‌سازد.

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

همچنین وجود اختلاف نظر میان علما در این زمینه، ایرادی در اصل حفظ سنت وارد نمی‌کند، بلکه این اختلاف نشانه‌ای از حفظ سنت است، چراکه به جزئیات خاصی از آن مربوط می‌شود.^{۱۰} به علاوه، وجود احادیث موضوع و ضعیف خود دلیلی بر حفظ سنت محسوب می‌شود، زیرا شناخت احادیث جعلی و ضعیف به معنای حفظ احادیث صحیح است. اگر احادیث موضوع و ضعیف قابل شناسایی نبودند، ما نمی‌توانستیم احادیث صحیح را تشخیص دهیم و سنت نبوی از بین می‌رفت.

اصل سوم از اصول دال بر اینکه حفظ سنت، بخشی از حفظ قرآن است: کسانی که خداوند حفظ قرآن را به دست آنان مقدر کرده، همان‌هایی هستند که سنت را نیز نقل کرده‌اند:

۱۰- به این معنا که همین بررسی جزئیات ریز و بحث دربارهٔ موارد معدود و برخی راویان نشان دهندهٔ توجه علمای حدیث به این علم و دقت نظر آنان و حفظ اصل سنت است. بلکه برعکس، اگر کسی دربارهٔ احادیث ضعیف و موضوع و حال برخی از راویان بحث نمی‌کرد این می‌توانست دلیلی بر عدم حفظ سنت باشد. (مترجم)

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

سنت از طریق کسانی به ما رسیده که قرآن را نیز نقل کرده‌اند. بنابراین، وقتی یک مسلمان ایمان دارد که قرآن محفوظ است، در واقع این امر به واسطه گروهی از افراد تحقق یافته که قرآن را حفظ کرده، نوشته و در مصحف‌ها جمع‌آوری کرده‌اند. این افراد تمام همت خود را صرف تلاوت، حفظ و بررسی مداوم قرآن کرده‌اند و از افراد عادل، صالح و مورد اعتماد بوده‌اند. آنان تلاش زیادی در حفظ کلام پروردگارشان کرده‌اند تا اینکه قرآن به شکل تازه و دست‌نخورده - همان‌گونه که نازل شده - به ما رسیده است. همین افراد، سنت پیامبر ﷺ را نیز نقل کرده‌اند. آن‌ها سخنان پیامبر ﷺ را حفظ کرده، سنتش را به مردم آموخته و آنان را به راه و روش ایشان راهنمایی کرده‌اند. همین افراد سنت پیامبر را آموخته و درباره آن [از یکدیگر] می‌پرسیدند و سنت را محفوظ می‌دانستند که باید به بررسی و پرسش درباره آن پرداخت، سپس نسل‌های بعد به همین منوال به حفظ قرآن و سنت ادامه دادند.

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

بنابراین، کسی که به حفظ قرآن ایمان دارد اما حفظ سنت را انکار می‌کند، دچار تناقض آشکار می‌شود، زیرا انکار حفظ سنت به یکی از سه مورد زیر منجر می‌شود:

مورد اول: خدشه وارد کردن در امانت‌داری کسانی که سنت را از صحابه و بعد از آنان نقل کرده‌اند و معتقد شدن به این که آنان دروغ گفته، فریب داده و خیانت کرده‌اند؛ این امر به نقض حفظ قرآن منجر می‌شود. اگر حال آن راویان چنین است، چگونه می‌توان به قرآن و حفظ آن بدون هیچ کاستی یا افزونی ایمان داشت!

ابوزرعه رازی درباره تأثیر بدگمانی به ناقلین سنت می‌گوید: «هرگاه دیدی کسی یکی از یاران رسول خدا ﷺ را کوچک می‌شمارد، بدان که او زندیق است، چرا که رسول الله ﷺ نزد ما حق است، و قرآن حق است و کسانی که این قرآن

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

و سنت‌ها را به ما رسانده‌اند، اصحاب رسول خدا ﷺ بوده‌اند. اینان می‌خواهند گواهان ما را خدشه‌دار کنند تا قرآن و سنت را باطل جلوه دهند»^{۱۱}.

مورد دوم: پذیرش امانت‌داری و تلاش‌های آنان، اما اختلاف نظر درباره این که آیا آنان سنت را حفظ کرده‌اند یا نه، یا این که آنان به طور کامل نسبت به حفظ آن بی‌اعتنا بوده‌اند، هیچ اهمیتی به آن نمی‌دادند یا در این باره با یکدیگر اختلاف داشتند.

امر دوم: اینکه به عدالت و پاکدستی آنان معترف باشد اما درباره اینکه توانسته باشند سنت را حفظ کنند یا توانشان را در این راه به کار برده باشند جدل کند و نظرش این باشد که آنان کاملاً نسبت به حفظ حدیث بی‌توجه بوده‌اند یا در این باره اختلاف داشته‌اند.

۱۱- به روایت خطیب در «الکفایة فی علم الروایة» (۴۹). شبیه همین سخن از امام مالک روایت شده چنانکه ابن تیمیه در «الصارم المسلول» (۵۸۰) و مجموع الفتاوی (۴/ ۴۲۹) نقل کرده است. در همین معنا ببینید: الإبانة ابن بطة (۲/ ۵۵۱-۵۵۲)، شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة (۷/ ۱۳۲۶)، الإمامة والرد علی الرافضة ابونعیم (۳۷۶).

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

این بدان معناست که سنت به دلیل رویگردانی و بی‌توجهی به حفظ آن، حفظ نشده است، و این چیزی است که بطلان آن به وضوح دانسته می‌شود. زیرا اخبار توجه به سنت به شکل مستمر و متواتر نقل شده و هیچ شخص مطلعی کمترین شکی در این باره به خود راه نمی‌دهد و کسی که در این موضوع شک کند، با همین مکابره و لجاجت می‌تواند دربارهٔ حفظ قرآن هم شک‌اندازی کند.

مورد سوم: اینکه در عدالت و دلسوزی راویان برای حفظ سنت پیامبر ﷺ بحثی نداشته باشد اما با این حال نسبت به درستی نقل آن‌ها در نسل‌های بعد شک و تردیدهایی داشته باشد؛ چون از نظر او ممکن است در نقل احادیث در نسل‌های بعدی اشتباه، فراموشی یا مسائل دیگری پیش آمده باشد، به‌ویژه با در نظر داشتن گذر زمان طولانی و نبود نگارش کامل.

اما این تردید زمانی از بین می‌رود که چند نکته را در نظر بگیریم:

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

اول: این که این سخن، اصل اینکه سنت از پیامبر ﷺ به مردم رسیده را می پذیرد، اما هدفش این است که بررسی کند این سنت چگونه در نسل ها و طبقات بعدی راویان به درستی منتقل شده است.

در واقع این همان کاری است که دانشمندان و عالمان بزرگ اسلام با دقت و سخت کوشی انجام داده اند. روش دقیق بررسی روایت نزد محدّثان کاملاً بر همین اساس بنا شده که چگونه بتوان اطمینان پیدا کرد چیزی که از پیامبر ﷺ نقل شده واقعاً درست و قابل اعتماد است. آن ها تلاش فراوانی کردند و قواعد دقیق و مشخصی برای این کار تدوین کردند. بنابراین، اگر کسی در این موضوع تردید داشته باشد، باید از مسیر علمی و دقیق وارد شود؛ یعنی روش نقل روایت را بررسی کند، و اگر اشکال، کاستی یا خطایی در آن دید، نشان دهد تا بتواند ثابت کند که این شیوه نقل نمی تواند به حفظ درست سنت منجر شود.

اما روی گردانی کامل از بررسی روش امت در حفظ سنت پیامبر ﷺ، یا بسنده کردن به تکرار تردیدها و شک اندازی های کلی عقل گرایان، چیزی جز

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

استدلال به جهل در برابر شخص عالم نیست؛ این کار مانند آن است که از عالمی علمش را نپذیری و استدلال این باشد که چون من نمی‌دانم [این سنت چگونه به ما رسیده] حرف تو هم [که این را می‌دانی] درست نیست!

دوم: اوج آنچه از این سخن می‌توان فهمید، تردید در اثبات برخی از احادیث است؛ اما این تردید هرگز به اصل حفظ کلی سنت آسیب نمی‌زند، و روشن است که اصل منش پیامبر ﷺ، سنت و سیره ایشان، محفوظ و آشکار باقی مانده است.

سوم: اگر او اصل نقل را بپذیرد، نرسیدن این سنت به ما در حالی که شامل احکام و سنت‌ها و رفتارها و آیین‌های واجب است، به معنای از دست رفتن بخشی از دین است. با این حال چگونه می‌تواند قاطعانه بگوید خداوند قرآن را حفظ کرده اما در عین حال معترف باشد که بخشی از دینش از دست رفته است؟

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

چهارم: از سوی دیگر، واقعیت نیز گواه روشنی بر این حفظ است؛ چرا که امت، سنت پیامبر ﷺ را حفظ کرده و نسل‌های گوناگون این امت - یکی پس از دیگری - در این مسیر گام نهاده‌اند؛ ابتدا با یاران پیامبر ﷺ سپس بزرگان تابعین و پیروان ایشان، و در ادامه ناقدان حدیث و حافظان آن. آنان با روشی عقلانی و همه‌جانبه در راه حفظ سنت کوشیدند. کسی که از این تلاش‌ها آگاه شود، درمی‌یابد که حفظ سنت، حقیقتی است واقعی و قابل لمس، و بی‌تردید خداوند این تلاش‌ها را در راه حفظ سنت پیامبرش ﷺ به کار گرفته است.

زیرا راویان سنت همان کسانی هستند که قرآن را نیز برای ما نقل کرده‌اند؛ پس اگر کسی سنت را انکار کند، ناگزیر باید قرآن را نیز انکار کند. یکی از روش‌های علما در نقد کسانی که برخی از احادیث را پذیرفته و برخی را رد می‌کردند این بود که می‌گفتند: روایان این احادیث [که رد می‌کنی]، راوی همان احادیثی هستند [که می‌پذیری]، بنابراین معنایی ندارد که این روایت او را برای آنکه مخالف دل‌خواه توست، رد کنی.

بخاری در همین زمینه می‌گوید: «هرکه بخشی از سنت‌ها را که علما نقل کرده‌اند رد کند، لازمه این رد آن است که بقیه سنت‌ها را نیز رد کند، تا آنکه [به تدریج] از سنت‌ها و قرآن دست بکشد».^{۱۲}

هنگامی که امیر عبدالله بن طاهر از امام اسحاق بن راهویه درباره احادیث صفات الهی پرسید، ایشان فرمود: «همان کسانی که احادیث طهارت و غسل و نماز و دیگر احکام را روایت کرده‌اند، این احادیث را نیز روایت کرده‌اند؛ پس اگر در آن احادیث عادل [و قابل اعتماد] بوده‌اند، در این نیز مورد اعتمادند، وگرنه احکام نیز برچیده شده و شرع باطل می‌شود». امیر عبدالله گفت: الله شفایت دهد چنانکه مرا شفا دادی.^{۱۳}

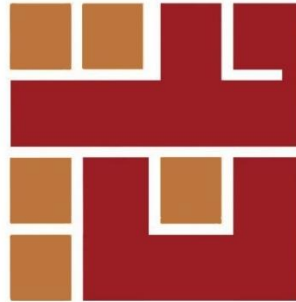
۱۲- خلق أفعال العباد (۷۶).

۱۳- به روایت هروی (خواجه عبدالله انصاری) در «ذم الکلام» (۵۱۱). همین الزام را در سخن شریک درباره احادیث صفات ببینید: «السنة» عبدالله بن احمد (۲۷۵-۲۷۶)، أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة لالکائی (۳/۵۵۹). همانند این الزام را همچنین ببینید در: الشريعة آجری (۳/۱۱۲۶)، رسالة السجزي إلى أهل زبيد (۳۸۲)، ذم التأويل (۳۰) و حكاية المناظرة في القرآن، هر دو از ابن قدامة (۲۲-۲۳).

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است |

از مسائل مهم در این مبحث، شناخت چگونگی حفظ سنت نبوی است که به دلیل اهمیت آن در یک بخش ویژه به آن خواهم پرداخت، هرچند تابع مقوله کنونی است یعنی: «حفظ سنت از حفظ قرآن است».

سخنان محافظ | حفظ سنت از حفظ قرآن است



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies